



نقد اقتصاد سیاسی - نقد بتواری - نقد ایدئولوژی

آزمون زیست اشتراکی آلترناتیو

گزارشی پیرامون زندگی و مبارزه در «زاد»

سمیه رستم پور



پوکه های گاز اشک‌آور که بسوی ساکنان زاد شلیک شده اند

اردیبهشت‌ماه 1397

«ما از این شیوه اعمال «عدالت» از سوی شما [دولت] دچار تعجب و شوک نمی‌شویم، و قصدمان هم این نیست که زندان‌های دیگری از نو بسازیم. حرف ما نحوه حل مناقشات و اختلافات است که هنوز راهی برای آن ساخته نشده است. ما تا کنون توانسته‌ایم تمام اختلافات خود را بدون هیچ خشونت‌ی حل و فصل کنیم. در مقایسه با جاهای دیگر، اینجا [زاد] در صلح و آرامش کامل است... در زاد، هیچ کس حاضر نیست که به شکل عمومی این ایده را تصور، قبول و یا ترویج کند که از مردم در برابر پلیس دفاع نشود. همه پلیس‌ها وحشی و درنده هستند. از قضا، آنها مردم را متحد می‌کنند.»

یادداشت فوق، متنی است که بر روی یک تکه کاغذ به شکل دست نویس نوشته شده و از آغاز درگیری‌های پلیس در نوترودام دلاند در زاد، در دست ساکنین منطقه دست به دست می‌چرخد تا بیش از هر توضیح دیگری گویای مناقشه‌ای باشد که در منطقه زاد، در فرانسه در جریان است.

زاد؛ سرزمینی اشتراکی در منطقه نوترودام دلاند فرانسه

زاد (ZAD) علامت اختصاری ترکیبی است که برای اشاره به «منطقه توسعه عمرانی معوق» (zone d'aménagement différencié) به کار رفته که توسط مقامات دولتی ایجاد شده است. منطقه «زاد» در «نوترودام دلاند» (Notre-Dame-des-Landes) یک واحد جنگلی بزرگ شامل 1600 هکتار زمین کشاورزی در 25 کیلومتری شهر نانت در شمال شرقی فرانسه واقع شده است. از دهه 1970 ساکنان و کشاورزان این منطقه، انجمنی به منظور دفاع از دهقانان ایجاد کرده‌اند با این هدف که بتوانند حقوق جمعی کشاورزان و دهقانان را در برابر پیشروی قوانین کاپیتالیستی دولتی حفاظت کنند. به همین دلیل مبارزه آنها با چشم‌اندازی رادیکال، اکولوژیک و ضدتوسعه‌گرایی کاپیتالیستی را بایستی در تداوم سایر جنبش‌های آن دوره تاریخ فرانسه خواند.

از سال 2008 به بعد، پس از آنکه فرمان عمومی ساخت یک فرودگاه جدید در منطقه نوترودام دلاند اعلام شد، موجی از حمایت از سوی فعالین محیط زیست و مخالفان توسعه‌طلبی سرمایه‌دارانه، در دفاع از این منطقه به راه افتاد. به دنبال اعتراضاتی که به تعلیق این پروژه منجر شد، فعالان تصمیم گرفتند که منطقه را اشغال کنند و اینبار آن را با عنوان «منطقه‌ای برای دفاع» (zone à défendre)، با همان نام اختصاری (Zad)، نامگذاری کردند. برای ساکنین و مدافعین زاد (Zadistes)، این منطقه فرمی آلترناتیو از حیات است که آنها گام به گام و از خلال سال‌های متمادی، بر اساس فعالیت‌های اشتراکی و دیدارهای جمعی هدفمند آن را بنا نهاده‌اند و به همین دلیل به راحتی حاضر نیستند میراث پنجاه سال مبارزه در زاد را به راحتی واگذار کنند.

برای مقامات دولتی اما، زاد بیش از هر چیز شبیه یک «اردوگاه» است که گروهی از ستیزه‌جویان افراطی را در صفوف خود جای داده است که آماده هر نوع مقابله خشونت‌آمیز با پلیس هستند. «زادبست‌ها» نزد پلیس و ژاندارمری فرانسه سه نوع سند شناسایی [پروفایل] مختلف دارند: زادی‌های «نهادی» مانند ساکنان محلی و کشاورزان، «فعالین سیاسی - اجتماعی» زاد و دسته سوم «افراط‌گرایان». این تقسیم‌بندی که ماهیت امنیتی دولت در مواجهه با مسائل اجتماعی با قابلیت سیاسی‌شدن را نشان می‌دهد، به خوبی نشان می‌دهد که تا چه حد سوژه‌های فعال زاد و جنبشی که متشکل از حامیان آن شکل گرفته است، از نظر دولت می‌تواند همچنان خطرناک تلقی شود. برای فعالین سیاسی با تمایلات

ضد سرمایه‌داری و ضد اقتدارگرایی اما، اینکه خطرناک خوانده شوند، معنایی امیدبخش است؛ برای اینکه در مبارزه خود پیش‌رفته‌اند و می‌توانند همچنان مقاومت را شورانگیزتر ادامه دهند. این همان تجربه ارزشمندی است که زادیت‌ها به خوبی با آن آشنایی دارند.

خشونت پلیسی-دولتی؛ به نام «قانون»، به کام «سرمایه‌داری»

در 17 ژانویه 2018، به دنبال بیش از چهاردهم مقاومت فعالین، خبر وانهادن پروژه احداث فرودگاهی در نوتردام دلاند، معروف به زاد، به طور رسمی از سوی مقامات دولتی اعلام شد. به دنبال این اتفاق، که یک عقب‌نشینی آشکار برای دولت و پیروزی الهام‌بخش برای فعالین آلترناتیو به شمار می‌رود، دولت ماکرون، ساکنین و مدافعان این منطقه را با این دستور دولتی مواجه ساخت که تا مهلت تعیین شده سی‌ام مارس، آنجا را تخلیه و ترک کنند. به همین دلیل، به دنبال این وقایع، بحث و گفتگو پیرامون «شرایط مذاکره با دولت» و پرسش مهم «سازش یا مقاومت» روی میز قرار گرفت. از آنجا که زاد، آنطور که پیش‌بینی می‌شد، در ماه مارس تخلیه نشد، دولت با توسل به راه‌حلی امنیتی و نظامی، نیروهای سرکوبگر پلیس را راهی منطقه کرد. همزمان زادیت‌ها، با حضور فیزیکی و تمهیداتی لوجستیکی، مقاومت فیزیکی را در منطقه در برابر حملات پلیس آغاز کردند.

همچنان که در یکی از جلسات عمومی زاد در هفته‌های اخیر از سوی یکی از ساکنین محلی اظهار شد، «مسأله مخالفان زاد این نیست که این "سمبل" سیاسی مقاومت در فرانسه را از بین ببرند؛ چالش اصلی آنها این است که چطور کنترل زمین‌های این منطقه را در دست خود بگیرند». این واکنش یکی از دهقانان زاد به لشکرکشی پلیس فرانسه به منطقه زاد، با خواست دولت کنونی است که از روز دوشنبه نهم آوریل 2018 آغاز شده است.

عملیات انجام شده توسط پلیس باعث ویرانی بسیاری از خانه‌ها، مزارع و کارگاه‌ها در زاد شده است. بسیاری از آنها در یک شب همه زندگی خود را از دست داده‌اند. از این جهت این حملات بسیار بی‌رحمانه بوده و به جنگی همه‌جانبه شباهت دارد. زندگی روزمره بسیاری از ساکنین زاد به سادگی از هم پاشیده شده است و برای برخی از آنها با توجه به فشارهای نظامی و سیاسی دولت، بازسازی آن از نو بسیار دشوار خواهد بود. این حملات همچنین صدها زخمی بر جای گذاشته و با موج دستگیری‌ها نیز همراه بوده است. اشغال نظامی زاد، همچنین در روزهای آغازین عملیات با قطع غیرقانونی جریان برق خانه‌های تخریب نشده و محدودیت‌های حمل و نقل برای ساکنین محلی همراه بوده است. حامیان زاد و برخی از ساکنین نیز، جاده‌های منتهی به مزارع را با ساخت انواع خندق یا پست‌های دفاعی مسدود کرده‌اند. این اختلال در دسترسی به جاده‌ها از سوی دولت و در واکنش به آن، از سوی گروه دفاعی حامیان زاد، همچنین خشم و نارضایتی برخی کشاورزان و دهقانان محلی را برانگیخته است که در مواردی جنبش زاد را نیز با تناقض‌ها و مناقشات درونی درگیر کرده است. اما ساکنینی که در برابر سیل تخریب پلیسی قرار گرفته‌اند، همواره بر این نکته تاکید دارند که خشم آنها، از تخریب آنچه که سالها به طور جمعی برای ساخت آن صرف کرده بودند، نیز باید فهمیده و درک شود. آنها به درستی اشاره می‌کنند که حاکم شدن این وضعیت پلیسی و حضور پرشمار ژاندارم‌ها در منطقه به هیچ وجه انتخاب و خواست آنها نبوده است؛ دولت پس از قطع ناگهانی دیالوگ با ساکنین زاد، اشغال نظامی منطقه را در دستور کار خود قرار داده است. دسته اخیر بیش از همه شامل کسانی می‌شود که از سال

2008 به بعد، با تعویق پروژه ساخت فرودگاه «نوترودام دلاند» در این منطقه و با فراخوان کشاورزان و دهقانان سابقه‌دار قدیمی در این محل اسکان پیدا کرده اند. این دسته پس از آن توانستند زمین‌هایی را به اشغال جمعی در آورند و برای آن پروژه‌های آترناتیو تعریف کنند. جوانان آنارشیست بخش مهمی از این گروه را تشکیل می‌دهند که از این فرم جدید زندگی، برای پیشبرد برخی اصول سیاسی، فراهم کردن امکان همگرایی مبارزاتی با فعالین دیگر و همچنین ساخت نوعی کمونالیسم اکولوژیک بهره برده‌اند.

تخریب خشونت‌آمیز کمون‌های منطقه زاد، به دستور دولت و توسط بیش از دوهزار و پانصد نیروی پلیس و نیروهای گارد ویژه اعزامی به منطقه، مجهز به خودروهای زرهی و هلیکوپتر، چیزی نیست جز نمودی آشکار از خشونت عریان دولتی علیه مجموعه‌ای که به شکل جمعی و اتونوم و در شکننده‌ترین شرایط مادی و با کمترین امکانات (ساختمان‌ها، مکان‌های ملاقات، ابزار کار،...) در پی تحقق پروژه‌ای هستند که فرم جدیدی از زندگی را در نظر دارد که تا حدی نورم‌های نابرابر و تحمیلی موجود را به چالش می‌کشد. تخریب خانه‌هایی که با تلاش جمعی و با حداقل امکانات، ولی با رویای موقعیتی آترناتیو ساخته شده‌اند توسط بولدورهای پلیس، در واقع اعلام نوعی جنگ اجتماعی و سیاسی از سوی دولت فرانسه خطاب به کسانی است که در این نوع سنت فکری و سیاسی نوعی رهایی فردی و جمعی را جستجو می‌کنند و به آن تعلق خاطر دارند. با توجه به معیارهایی که دولت در ارتباطات خود مورد استفاده قرار می‌داد، به هیچ وجه نیازی به تخریب این منطقه نبود. دولت این ادعای دروغین را پیش کشیده است که کشاورزان محلی، طرحی کشاورزی را ارائه نکرده‌اند. این در حالی است که ساکنین این منطقه یک پروژه کشاورزی آترناتیو را ارائه کرده و برخی از آن حتی خواهان اصلاحات در سایر بخش‌های موجود شده‌اند. در واقع آنچه که خشم دولت را برانگیخته است، عدم وجود یک پروژه نیست، بلکه ماهیت و محتوای پروژه‌هایی است که ساکنین زاد درگیر آن هستند. آنچه که دولت بر نمی‌تابد، در اساس نوعی از زندگی است که در ده سال اخیر توانسته است نوعی جامعه آزاد از منطق مالکیت در اشکال مختلف آن را تجربه و بازسازی کند. بنابراین این موضوع که ساکنین زاد از روز اول پیشنهاد کرده‌اند که مجلسی محلی مدیریت جمعی زمین‌ها و فضای موجود در این منطقه را بر عهده بگیرد، ارزش نمادین بسیاری دارد. عملیات اخیر پلیس در زاد، بر خلاف آنچه نخست وزیر فرانسه ادعا می‌کند، نه در راستای «حاکمیت قانون» بلکه در واقع «حاکمیت زو» است که تلاش دارد به سرعت و به طور کامل تمام نشانه‌های اصل کنش اشتراکی را از بین ببرد: انجمن‌ها، تعاونی‌های مصرفی و تولیدی، پروژه‌های کشاورزی و صنایع دستی، روش‌های مختلف تبادل تجربه و زندگی دوستانه و صمیمی... در چنین موقعیت‌هایی است که دولت چهره واقعی خود را نشان می‌دهد: دولت نه تنها ضامن بی قید و شرط مالکیت خصوصی است، بلکه خود مبتنی بر منطق مالکیت است، طوریکه می‌توان از نوعی «مالکیت دولتی» سخن گفت که در عمل در جنگ با هر فرمی از حیات اشتراکی است.

از مدت‌ها قبل ساکنین زاد جلسات محلی متعددی داشتند برای گفتگو پیرامون این موضوع که در صورت دستور تخلیه زاد و اخراج ساکنین، چگونه خود را سازماندهی کنند و چه راه‌هایی برای مقاومت پیدا کنند. «ما همه چیز را مجدداً از نو خواهیم ساخت». این لب کلامی است که از یکی از ساکنین زاد می‌شنویم که مصمم است بر این که مقاومت در برابر پلیس تا توان ممکن ادامه داشته باشد. «هر خانه‌ای را که پلیس خراب کند، ما به جای آن دو سه خانه دیگر از نو خواهیم ساخت... صرف

نظر از موازنه قدرت، تمایل دولت به عقب‌راندن ما و تلاش برای تحمیل نورم‌های موجود سرمایه‌داری بر کشاورزی زاد، به دلایل قانونی و همچنین مسائل مربوط به شهرسازی، زمان زیادی می‌طلبد. هرچند پروژه ساخت فرودگاه سالهاست به تعویق در آمده است اما برای بعضی از ما، هنوز هم مبارزه در برابر هراس سرمایه‌داری ادامه دارد و برای بقای همه‌ی آن چیزی که از ده سال پیش تا کنون ساخته شده است، همه امکانات خودسازمانی‌ای که داریم را با مبارزات و مبارزین دیگر به اشتراک می‌گذاریم... به هر حال، زاد یک ایده ویرانگر و سمبلی است که نمی‌تواند بمیرد. خطری که وجود دارد این است که شعار "مقاومت و تخریب" محو شده اما ایده آن در جاهای دیگر در حال جوانه زدن است. تعداد زیادی "زاد" در بیرون از اینجا وجود دارد، به اندازه کسانی که به این ایده‌ها پایبند هستند و این اختلافات ما را می‌پوشاند و مقاومت را فرامرزی می‌کند. "زاد" همچون فضایی است که در ما هست و هر بار دمیده خواهد شد».

یکی دیگر از ساکنین زاد در مورد عملیات تخلیه زاد توسط پلیس اینطور فکر می‌کند: «گفته‌اند که در دو هفته عملیات‌شان را با موفقیت تمام خواهند کرد ولی باید بدانند که ما مقاومت می‌کنیم و کشتن آدمها بیشتر از دو هفته برایشان طول می‌کشد. ما هزاران نفر را در پشت سرمان داریم که از ما و زاد حمایت می‌کنند، به همین دلیل من زیاد نگران نیستم. باید جلو رفت و هر خانه‌ای را که ویران کردند، فوراً خانه‌ی دیگری به‌جایش ساخت».

کامیل (اسم عام همه زادبست‌ها) که در حال آماده کردن بیش از ده کیلو سبزیجات برای غذای امشب است، حوشبینی کمتری دارد که شاید بیش از هرچیز ناشی از خستگی تداوم یک مقاومت است: «اگر به یاد داشته باشید در پروژه تخلیه و اخراج سال 2012 توسط دولت، هیچکس پیش بینی نمی‌کرد که در زمان کوتاهی بعد از آن با نیرویی چهل هزار نفری بتوانیم هر آنچه را که پلیس تخریب و ویران کرده بود، به شکل بهتر از نو بسازیم. اما امروز مطمئن نیستم که همان انرژی موجود باشد. ما مردم را کمی خسته کرده‌ایم، خصوصاً با پیچیدگی تصمیم‌گیری‌های جمعی... از طرف دیگر بسیاری از کسانی که قصد دارند به ما در مورد مذاکره و رابطه با دولت درس بدهند، خودشان اغلب کارمند دولت هستند و مالیات‌هایشان را به شکل دقیق و بی‌سروصدا به دولت پرداخت می‌کنند. گاهی واقعا صبرم سر می‌آید...». او ادامه می‌دهد: «تا زمانی که زاد بود، ما در رویا نبودیم، اما در یک واقعیت عجیب و غریب به سر می‌بردیم. حالا کمی متفاوت است. کسانی که می‌خواهند در اینجا بمانند، باید در بلند مدت ثبت نام کنند، اجباری که پیش از این وجود نداشت در جایی که می‌دانستیم که می‌توانیم در بسیاری از موارد از نورم‌های ناعادلانه تحمیلی موجود عدول کنیم». اینها نمونه‌ای از تناقضاتی است که مانند هر جنبش دیگر، در مقاومت زاد نیز وجود واقعی دارد. اما آنچه اهمیت دارد این است که این تکرار تا به امروز نتوانسته است اراده جمعی زادبست‌ها برای پیشبرد پروژه‌هایشان را سست کند یا آنها را در مقابل دولت به انشعاب برساند. جنبش و ایستادگی زاد تا به امروز تحت یک نام و با اتحادی جمعی تداوم حیات داشته است.

زیست‌الترناتیو در منطقه زاد

بسیاری از فعالینی که در زاد زندگی می‌کنند، تحصیل، کار، خانواده و بستگان و مهمتر از همه زندگی راحت را رها کرده‌اند و سالهاست در این منطقه آترناتیو مستقر شده‌اند. همچنان که یکی از جوانان ساکن زاد عنوان می‌کند، «این انتخاب قطعاً آسان نیست، اما این تصمیم ما را به مسیری هدایت کرد که توانستیم به واسطه آن خودمان را به صورت فردی و جمعی از نو بازسازی کنیم».

زاد اکنون شکلی از یک منطقه روستایی پراکنده و وسیع را به خود گرفته است که حدود 150 نفر به شکل ثابت در آن ساکن هستند و بیش از دویست نفر به شکل موقت در آن زندگی می‌کنند. برخی از این خانه‌ها با ایده‌هایی بسیار اندیشیده شده و بر اساس اصول سیاسی ساخته شده‌اند به این منظور که بتوانند زیستگاه را به اکوسیستم پیوند دهند.

در زاد، کشاورزان، دهقانان استثمارشده، مخالفان جهانی‌شدن، اکولوژیست‌ها، مخالفان سرمایه‌داری، آنارشویست‌ها و... در یک جامعه کوچک، در اطراف این ایده مشترک گرد هم آمده‌اند که به جای فعالیت سیاسی، آن را عملاً زندگی کنند. برای مثال در شمال زاد، گروهی از کشاورزان قدیمی منطقه در کنار جمعی از مالکان آنارشویست (squatteurs) زندگی می‌کنند که از سال 2008 به بعد در این منطقه [زون] ساکن شده‌اند و مناطق و منازل را در آنجا به تصرف خود در آورده‌اند و به شکل گروهی زندگی و کشاورزی می‌کنند. همچنان که از زبان مردم زاد می‌شنویم: «برای ما بودن و زندگی در زاد به وضوح نوعی تغذیه دائمی از مقاومت است، استقبال کردن از حضور کسانی است که هیچ جایگاهی در این دنیا ندارند و یا نتوانسته‌اند مکان دلخواهشان را پیدا کنند. زاد توسعه و تسری دادن ایده خودگردانی است و جزئیات کوچکی که باعث شده‌اند به نوعی از آن مدل زندگی، که در همه جای دنیا توسط تکنوکرات‌های تجاری مدیریت می‌شود، گذار صورت گیرد».

با توجه به مشارکت زادی‌ها در انواع جنبش‌های اجتماعی مترقی، حمایت از انواع اعتصاب‌ها، کمک‌های لجستیکی به مهاجران بدون اجازه اقامت، مبارزه با انواع خشونت پلیسی، می‌توان گفت که زاد تنها شامل زادبست‌هایی نیست که زمین‌هایی را تصرف کرده‌اند یا دهقانانی که می‌خواهند بر روی زمین کار کنند؛ بلکه زاد، شامل تمام کسانی می‌شود که توانسته‌اند از خلال آن، منبعی الهام بخش، همچنین پشتیبانی اخلاقی و منطقی برای جنبش و مبارزه‌ای که به آن تعلق دارند، بیابند.

در سطح زیست روزمره و بومی، تلاش ساکنین زاد این است که تا حد امکان از محصولات محلی استفاده کرده، نیازهای روزمره‌شان را خودشان برآورده کنند. آنها به فرم خودگردانی بومی حتی در مصرف روزانه خود، قائل هستند. میوه‌ها، سبزیجات، محصولات لبنی و نان، در روزهای جمعه در بازار محلی فروخته می‌شوند و یا در مکانی به نام «نا-بازار» (non_marché) به فروش می‌رسد، که در آن قیمت‌ها به خریدار بستگی دارد و او آزاد است که هرچقدر می‌خواهد برای محصولات خریداری شده پرداخت کند.

در زاد، حتی نوعی دادگاه محلی ایجاد شده است که اختلافاتی که بین افراد پیش می‌آید، از طریق یک گروه میانجیگر حل و فصل می‌شود. این گروه واسطه، با الهام از «عدالت کمونال» نزد ساکنین جی‌پاس در مکزیک، نام خود را «چرخه دوازده‌گانه» (Cycle des douze) گذاشته است. دوازده ساکنی که برای مدت یک ماه در در یک منطقه زندگی کرده‌اند، هفته‌ای یکبار دور هم گرد می‌آیند تا اختلافات

خود را حل و فصل کنند. در موارد جدی، تصمیم گروه ممکن است حتی به اخراج فرد مربوطه از زاد منتهی شود.

نتیجه‌گیری

دولت فرانسه با انجام عملیات پلیسی در زاد، در پی تحمیل پروژه «نرمالیزاسیون» و ادغام پروژه‌های اشتراکی ساخته شده در زاد، در مدل دولتی هژمونیک موجود کشاورزی، مبتنی بر اصول سرمایه‌داری بازار آزاد از جمله سود بیشتر، اصول مالکیت خصوصی و همچنین کار فردی است که در آن دهقانان و کشاورزان به شکل مضاعف استثمار شده و در رقابت تحمیلی با سایرین وادار خواهند شد میدان را به شرکت‌های بزرگ تجاری و مالکین کلان واگذار کنند. ضمن اینکه این مدل دولتی، اکولوژی و طبیعت را با تهدیدهایی بسیار جدی مواجه خواهد ساخت. این عملیات همچنین سوبیه‌ای نمادین و پیامی استعاری نیز در خود دارد: اینکه هیچ فرمی از کار و حیات اشتراکی خارج از چهارچوب جهانی موجود که مبتنی بر ایده‌های آلترناتیو، اصل مقاومت جمعی و همگرایی مبارزاتی علیه وضع موجود باشد، از سوی دولت جدید فرانسه به نمایندگی ماکرون، تحمل نخواهد شد. وقتی این عملیات را در کنار اصلاحات پیشنهادی دولت در زمینه مهاجرت، در زمینه قانون کار و بازنشستگی، در حوزه دانشگاه و... قرار دهیم، به سادگی پی خواهیم برد که این اشغال نظامی تا چه حد آگاهانه و در پیوند با یک پروژه‌ی کلانتر صورت گرفته است که تخریب تمام پس‌مانده‌های میراث سوسیالیسم در کشور فرانسه و هدایت آن به سمت جهانی‌شدن بیشتر را هدف گرفته است.

از آنجا که هر نوع سرکوبی، مقاومت خود را نیز خلق می‌کند، به دنبال آغاز عملیات پلیس در منطقه زاد نیز، اکثر جریان‌های چپ فرانسه و گروه‌های آلترناتیو در حمایت از مردم این منطقه و جنبش ضد سرمایه‌داری موجود در زاد بسیج شده‌اند. حامیان زیادی نیز از سایر کشورهای اروپایی از جمله بلژیک، آلمان، اسپانیا و انگلیس برای همبستگی با زادیست‌ها در محل حاضر شده‌اند. تنها در تجمع روز یکشنبه پانزدهم آوریل، بیش از پانزده هزار نفر حامی این جنبش در منطقه زاد حضور فیزیکی داشتند و کل روز را در درگیری با پلیس گذراندند. در تظاهراتی که اوایل ماه آوریل در استان نانت، در 25 کیلومتری زاد برگزار شد، زادیست‌ها، دانشجویان، گروه خودگردانی اقامتگاه، گروه مقاومت نانت های چپ افراطی، کولکتیو سندیکایی علیه فرودگاه و جهان تابع آن، گروه حق مسکن، انجمن محلی پشتیبانی از مهاجران، با تاکید بر همگرایی مبارزاتی، حمایت خود را از جنبش زاد اعلام کردند. این تلاش فرابومی برای گره دادن جنبش‌های متفاوت با اولویت‌هایی مختلف به یکدیگر، نقطه روشن و امیدبخشی است که در فرم مقاومت اخیر در زاد دیده می‌شود. خصوصاً با توجه به احیای جنبش‌های اخیر در فرانسه از جمله جنبش دانشجویی (با تظاهرات و اشغال چند دانشگاه مهم کشور)، جنبش‌های حامی مهاجرین و اعتصاب‌های طولانی کارکنان بخش حمل و نقل ریلی و اداره پست در اعتراض به انواع اصلاحاتی که دولت ماکرون در حال اعمال کردن آنهاست (اکثر این اصلاحات، حقوق اولیه بسیاری از افراد طبقات کارگر جامعه، دانشجویان و مهاجران را با خطر جدی مواجه می‌سازد)، موفقیت یا شکست هریک از این هسته‌های مقاومت در کشور می‌تواند الهام‌بخش یا عامل سرخوردگی در میان فعالین سایر جنبش‌ها باشد. از سوی دیگر، علی‌رغم اینکه مقاومت زاد توانسته است به شکل نمادین، صدای جریان ضد سرمایه‌داری و طرفداران خودگردانی محلی و مخالفان نرمالیزاسیون

سرکوبگر دولتی باشد، همچنان این ضرورت به شکل جدی احساس می‌شود که مقاومت زاد بتواند به جنبش‌های حاشیه‌ای و نامرئی شهری نیز گره بخورد، از جمله جنبش‌هایی که در محلات و شهرک‌های حومه پاریس فعال هستند و یا جنبش‌های آنتی راسیسم و ضداسلام هراسی که با توجه به پایگاه طبقاتی و موقعیت شهری، کمتر از جنبش‌های چپی رسانه‌ای می‌شوند که از امکانات مالی، انسانی و لوجستیکی طبقه متوسط شهری بهره می‌برند.